

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

The Legal Development of the Concept of "Crimes Against Humanity" and "War Crimes" in Light of the Gaza War and the Legal Prosecution of Israel

Payam Ghasemi^{1*}

1. MA, Department of International Law, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: pqasmy66@gmail.com

ABSTRACT

Following the widespread atrocities committed by the Zionist regime after the events of October 7 and its attacks on the Gaza Strip and southern Lebanon, serious concerns have been raised from the perspective of international law. These concerns revolve around how to prevent such atrocities and effectively utilize the capacities of transnational institutions to realize international justice. Accordingly, this study, developed using a descriptive-analytical approach, examines the potential for legally developing the concept of crimes against humanity and war crimes in light of the Gaza war, with the aim of facilitating the legal prosecution of Israel. It explores the legal dimensions of the crimes committed by the occupying Zionist regime in the occupied Palestinian territories and Lebanon, particularly during the recent attacks on Gaza. The primary objective of this study is to offer strategies for aligning the conduct of the Zionist regime in Gaza with the definitions of crimes against humanity and war crimes through the legal expansion of these international crime concepts. The findings of the study indicate that a significant portion of the military and non-military actions carried out by the Israeli regime after the October 7 attack are consistent with the definitions outlined in the Rome Statute of the International Criminal Court concerning war crimes and crimes against humanity and, from a legal standpoint, are subject to prosecution and adjudication within the framework of the Court.

Keywords: *Zionist regime, Israeli crimes, Gaza, crimes against humanity, war crimes, International Criminal Court.*

How to cite: Ghasemi, P. (2024). The Legal Development of the Concept of "Crimes Against Humanity" and "War Crimes" in Light of the Gaza War and the Legal Prosecution of Israel. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(1), 1-22.



تاریخ ارسال: ۱۰ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۳ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

توسعه حقوقی مفهوم «جرائم علیه بشریت» و «جنایت جنگی» در پرتو جنگ غزه و پیگرد حقوقی اسرائیل

پیام قاسمی^{۱*}

۱. کارشناسی ارشد، گروه حقوق بین الملل، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: pqasmy66@gmail.com

چکیده

در پی وقوع جنایات گسترده رژیم صهیونیستی پس از رویداد ۷ اکتبر و حملات آن به نوار غزه و جنوب لبنان، نگرانی‌های عمیقی از منظر حقوق بین‌الملل مطرح شده است؛ نگرانی‌هایی که ناظر بر چگونگی پیشگیری از چنین جنایاتی و بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های نهادهای فراملی در راستای تحقق عدالت بین‌المللی می‌باشد. از این رو، پژوهش حاضر که با رویکردی توصیفی - تحلیلی تدوین شده به بررسی امکان توسعه حقوقی مفهوم جرائم علیه بشریت و جنایت جنگی در پرتو جنگ غزه برای امکان و فرصت پیگرد حقوقی اسرائیل است و به ابعاد حقوقی جنایات ارتكابی توسط رژیم اشغالگر صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و لبنان، به‌ویژه در جریان حملات اخیر به غزه، می‌پردازد. هدف اصلی این مطالعه، ارائه راهکارهایی برای انطباق رفتار رژیم صهیونیستی با جرائم علیه بشریت و جنایت جنگی در غزه از طریق توسعه حقوقی مفهوم این جرائم بین‌المللی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از اقدامات نظامی و غیرنظامی رژیم اسرائیل پس از حمله ۷ اکتبر، با تعاریف مندرج در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در خصوص جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت انطباق دارد و از حیث حقوقی، قابلیت پیگرد و رسیدگی در چارچوب دیوان را داراست.

کلیدواژگان: رژیم صهیونیستی، جنایات اسرائیل، غزه، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی، دیوان بین‌المللی کیفری.

نحوه استناددهی: قاسمی، پیام. (۱۴۰۳). توسعه حقوقی مفهوم «جرائم علیه بشریت» و «جنایت جنگی» در پرتو جنگ غزه و پیگرد حقوقی اسرائیل. دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۲(۱)، ۱-۲۲.

صورت گرفته در سرزمین‌های اشغالی فلسطین ابراز مخالفت نموده است. با وجود این، تحولات میدانی پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، به‌ویژه حملات بی‌وقفه و نظام‌مند اسرائیل به مناطق غیرنظامی و تأسیسات درمانی و آموزشی، به نحوی است که بار دیگر مسئله قابلیت اعمال صلاحیت جهانی و لزوم پیگرد حقوقی عاملان این جنایات را به صدر مباحث بین‌المللی بازگردانده است.

در همین راستا، ضرورت بازتعریف و توسعه حقوقی مفاهیم جنایات علیه بشریت و جنایت جنگی برای تطبیق با واقعیت‌های نوین جنگ‌های نامتقارن و اشغالگرانه اهمیت می‌یابد. پژوهش حاضر در تلاش است تا ضمن تحلیل مبانی حقوقی موجود، با رویکردی توصیفی - تحلیلی، به ارزیابی ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل در زمینه تعقیب کیفری اقدامات ارتكابی رژیم صهیونیستی در جریان جنگ غزه بپردازد. در این مسیر، بهره‌گیری از ابزارهایی چون اصل صلاحیت جهانی، نقش شورای امنیت در ارجاع پرونده‌ها به دیوان بین‌المللی کیفری، و همچنین مستندسازی حرفه‌ای شواهد توسط نهادهای حقوق بشری، از جمله مواردی است که می‌تواند مسیر تحقق عدالت بین‌المللی را هموار سازد. افزون بر این، این پژوهش به دنبال آن است که نشان دهد چگونه با توسعه یافتن مفاهیم حقوقی و تعمیم اصول موجود بر زمینه‌های خاص و استثنایی مانند بحران غزه، می‌توان به گونه‌ای مؤثر با مصونیت از مجازات مقابله کرد. بدین ترتیب، تلاش شده تا با بررسی مصادیق عینی جنایات ارتكابی، راهکارهای حقوقی مشخص و قابل اجرایی برای پیگیری این جرایم در سطح بین‌المللی پیشنهاد شود و بدین وسیله گامی در جهت احقاق حقوق قربانیان این جنایات و پاسداری از ارزش‌های بنیادین حقوق بشر برداشته شود.

۱- عملیات طوفان الاقصی ۲۰۲۳ و آثار ناشی از آن

حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳، یکی از شدیدترین و پیچیده‌ترین حوادث در تاریخ درگیری میان اسرائیل و فلسطین بود که به طور ناگهانی

پس از وقوع حمله نظامی غافلگیرکننده گروه حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، که به‌عنوان «طوفان الاقصی» شناخته شد، تحولات ژئوپلیتیکی گسترده‌ای در منطقه خاورمیانه به وقوع پیوست که بلافاصله به واکنش‌های نظامی شدید و بی‌سابقه‌ای از سوی رژیم صهیونیستی در غزه و جنوب لبنان منجر شد. شدت و ابعاد این درگیری، نه تنها موجب بروز یک بحران انسانی گسترده گردید، بلکه پرسش‌های مهمی را در خصوص مسئولیت حقوقی بین‌المللی و انطباق اقدامات نظامی با اصول و قواعد حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری مطرح ساخت. ابعاد وسیع حملات، استفاده از تسلیحات ممنوعه، هدف‌گیری غیرنظامیان، تخریب زیرساخت‌های حیاتی، و اعمال محاصره انسانی در غزه، موجب شد تا بسیاری از تحلیل‌گران و نهادهای حقوق بشری، این وقایع را مصادیقی از جنایت جنگی و جنایات علیه بشریت ارزیابی کنند.

در این میان، جایگاه مفاهیم حقوقی همچون «جنایات علیه بشریت» و «جنایات جنگی» در ادبیات حقوق بین‌الملل اهمیت دوچندان یافته است. این مفاهیم که پیشینه آن‌ها به دادگاه‌های نورنبرگ و یوگسلاوی بازمی‌گردد، در پرتو تحولات حقوقی قرن بیست و یکم، به‌ویژه با تصویب اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری در سال ۱۹۹۸، به چارچوبی مشخص و اجرایی دست یافته‌اند. با این حال، چالش اصلی در زمینه اجرای این مفاهیم، فقدان اراده سیاسی کافی در سطح بین‌المللی، موانع ناشی از عدم عضویت برخی دولت‌ها در دیوان بین‌المللی کیفری و پیچیدگی‌های سیاسی مرتبط با درگیری‌های منطقه‌ای است.

رژیم صهیونیستی، که از امضاکنندگان ولی نه از اعضای تصویب‌کننده اساسنامه رم به شمار می‌رود، تاکنون از هرگونه همکاری رسمی با دیوان بین‌المللی کیفری خودداری کرده و همواره نسبت به صلاحیت این دیوان در خصوص اقدامات

تنش‌ها را به اوج رساند و منجر به جنگ گسترده‌ای میان اسرائیل و نوار غزه شد و همچنین به درگیری‌هایی در مرز لبنان انجامید. در این روز، حماس، به‌عنوان اصلی‌ترین گروه فلسطینی مستقر در غزه، یک عملیات نظامی غافلگیرکننده علیه اسرائیل را آغاز کرد. این عملیات که به نام "طوفان الاقصی" شناخته شد، با نفوذ نیروهای مسلح حماس به داخل خاک اسرائیل، شلیک هزاران موشک به مناطق مختلف این کشور، و حمله به مناطق مسکونی، پایگاه‌های نظامی، و تأسیسات امنیتی همراه بود. این حمله که با سطحی از هماهنگی و آمادگی بی‌سابقه انجام شد، باعث غافلگیری ارتش اسرائیل شد و منجر به کشته و زخمی شدن صدها اسرائیلی و اسارت تعداد زیادی از غیرنظامیان و سربازان شد. تصاویر و ویدیوهای منتشرشده از این حملات نشان‌دهنده میزان گسترده و خشونت‌آمیز بودن این عملیات بود. حماس ادعا کرد که این اقدام در واکنش به تداوم اشغالگری، محاصره غزه، و خشونت‌های اسرائیل علیه فلسطینیان، به‌ویژه در مسجدالاقصی، صورت گرفته است (Zarei, 2023).

پس از این حمله، اسرائیل به شدت واکنش نشان داد و عملیات نظامی گسترده‌ای را علیه نوار غزه آغاز کرد. این عملیات شامل حملات هوایی سنگین به مناطق مختلف غزه، تخریب ساختمان‌ها، زیرساخت‌ها و خانه‌های مسکونی، و قطع دسترسی به خدمات ضروری از جمله آب، برق، و سوخت بود. اسرائیل اعلام کرد که هدف این حملات، تضعیف توان نظامی حماس، انهدام تونل‌های زیرزمینی و پایگاه‌های موشکی آن، و بازگرداندن اسیران اسرائیلی است. این حملات موجب کشته شدن هزاران فلسطینی، از جمله تعداد زیادی کودک و زن، و زخمی شدن ده‌ها هزار نفر دیگر شد. همچنین، محاصره کامل غزه بحران انسانی بی‌سابقه‌ای ایجاد کرد و سازمان‌های حقوق بشری و نهادهای بین‌المللی نسبت به وقوع فاجعه انسانی هشدار دادند. در همین حال، این جنگ محدود به نوار غزه باقی نماند و به مرزهای شمالی اسرائیل با لبنان نیز کشیده

شد. حزب‌الله لبنان، که از متحدان حماس و تحت حمایت ایران است، حملاتی را به مواضع نظامی اسرائیل در مرز لبنان انجام داد. این حملات با شلیک موشک، خمپاره، و پهپادهای انتحاری همراه بود. اسرائیل نیز در واکنش به این حملات، مواضع حزب‌الله در لبنان را هدف قرار داد. این درگیری‌ها نگرانی از گسترش جنگ به یک درگیری منطقه‌ای را افزایش داد و بسیاری از تحلیلگران هشدار دادند که ممکن است به یک جنگ گسترده‌تر میان اسرائیل و محور مقاومت منجر شود که حوادث پس از آن این ادعا را تایید کرد. این تحولات در حالی رخ داد که جامعه جهانی تلاش‌هایی را برای کاهش تنش و برقراری آتش‌بس آغاز کرد. با این حال، به دلیل شدت درگیری‌ها، اهداف متضاد طرفین، و پیچیدگی بحران، این تلاش‌ها موفقیت چندانی نداشتند. کشورهای غربی عمدتاً از اسرائیل حمایت کردند و حق آن برای دفاع از خود را تأیید کردند، درحالی‌که بسیاری از کشورهای مسلمان و عرب، به‌ویژه ایران، اقدامات اسرائیل را محکوم کرده و حمایت خود را از مقاومت فلسطینی اعلام کردند. جنگ ۷ اکتبر و پس از آن، نه تنها به تلفات و ویرانی‌های گسترده‌ای در غزه و اسرائیل منجر شد، بلکه بار دیگر عمق بحران فلسطین و اسرائیل را نشان داد. این جنگ نشان‌دهنده بن‌بست سیاسی و نظامی در حل مناقشه بود و بسیاری از ناظران معتقدند که این درگیری عواقب بلندمدت جدی برای امنیت و ثبات منطقه خواهد داشت.

۲- راهکارهای تطبیق اقدامات رژیم صهیونیستی با جرایم علیه

بشریت و جنایات جنگی

در این قسمت به بررسی راهکارهایی خواهیم پرداخت که ذیل آن با توسعه حقوقی مفهوم جرایم علیه بشریت و جنایت جنگی، اقدامات رژیم صهیونیستی را ذیل این عناوین تعریف کرده و مستوجب کیفر و پیگرد از طریق دیوان کیفری بین‌المللی تلقی کنیم.

۲-۱- چگونگی استفاده از ظرفیت اساننامه دیوان بین‌المللی
کیف‌ری برای حملات اسرائیل به غزه

استفاده از ظرفیت‌های اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری برای رسیدگی به جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و جنوب لبنان پس از حمله «طوفان الاقصی» مستلزم بررسی دقیق اصول حقوق بین‌الملل، ابزارهای حقوقی موجود، و همچنین پیچیدگی‌های سیاسی و دیپلماتیک است. دیوان بین‌المللی کیفری به‌عنوان نهادی دائمی و مستقل از سازمان ملل متحد، برای رسیدگی به جرایم بزرگ بین‌المللی شامل جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، نسل‌کشی و جنایت تجاوز تأسیس شده است. مسئله اصلی این است که چگونه این ظرفیت‌ها می‌توانند به‌طور مؤثر برای پیگرد جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و جنوب لبنان مورد استفاده قرار گیرند، در حالی که این رژیم عضو اساسنامه رم نیست و از همکاری با دیوان خودداری می‌کند (Kord Rostami, 2023).

۲-۱-۱- جنایات ارتكابی رژیم صهیونیستی در غزه و جنوب لبنان پس از حمله «طوفان الاقصی»

بر اساس گزارش‌های معتبر حقوق بشری و نهادهای بین‌المللی، رژیم صهیونیستی در حملات خود به غزه و جنوب لبنان مرتکب جنایاتی شده است که می‌تواند در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری قرار گیرد. مهم‌ترین این جنایات عبارتند از:

۲-۱-۱-۱-جنايات جنگى

این شامل حملات عمدی به غیرنظامیان، تخریب زیرساخت‌های حیاتی نظیر بیمارستان‌ها و مدارس، استفاده نامتناسب از قدرت نظامی، و محاصره انسانی است که زندگی مردم را به خطر می‌اندازد.

اقدامات رژیم صهیونیستی پس از اکتبر ۲۰۲۳ شامل نقض گسترده قوانین و عرف‌های جنگی بوده است. گزارش‌های متعددی از سوی سازمان ملل، کمیسیون‌های حقوق بشری و سازمان‌های

حمله‌های هوایی گسترده به مناطق مسکونی غزه و جنوب لبنان که منجر به کشته شدن هزاران غیرنظامی از جمله زنان و کودکان شده است. برای بررسی انطباق اقدامات رژیم صهیونیستی در غزه و جنوب لبنان پس از حمله «طوفان الاقصی» با تعریف جنایت جنگی، حملات عمدی به غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی به عنوان یکی از بارزترین مصادیق مورد توجه قرار می‌گیرد (Jahshan, 2024). بر اساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه و مقررات مربوط به جنایات جنگی که در کنوانسیون‌های ژنو و اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری آمده است، حمله عمدی به غیرنظامیان یا زیرساخت‌هایی که برای حیات اجتماعی و اقتصادی مردم ضروری هستند، ممنوع بوده و می‌تواند مصداقی از جنایت جنگی تلقی شود. در این چارچوب، رژیم صهیونیستی با اقدامات نظامی خود، حملات گسترده و برنامه‌ریزی‌شده‌ای را علیه مناطق مسکونی، بیمارستان‌ها، مدارس، شبکه‌های آب و برق و دیگر زیرساخت‌های اساسی انجام داده است که بر اساس گزارش‌های متعدد، این حملات به طور عمدی غیرنظامیان را هدف قرار داده و خسارات شدیدی به جمعیت غیرنظامی وارد کرده است. در موارد متعدد، حملات هوایی و توپخانه‌ای رژیم صهیونیستی علیه مناطق پرجمعیت در غزه و جنوب لبنان منجر به کشته و زخمی شدن هزاران غیرنظامی، از جمله زنان و کودکان، شده است. تصاویر و گزارش‌های رسانه‌های بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری نشان می‌دهند که این حملات به طور عمدی مناطقی را هدف گرفته‌اند که هیچ ارزش نظامی نداشته و صرفاً محل سکونت غیرنظامیان یا مکان‌های ارائه خدمات عمومی مانند بیمارستان‌ها و مدارس بوده‌اند. این اقدامات، نقض آشکار اصل تفکیک است که

یکی از اصول اساسی حقوق بشردوستانه بین‌المللی به شمار می‌رود و تصریح دارد که نیروهای نظامی باید میان اهداف نظامی و غیرنظامی تمایز قائل شوند و تنها اهداف نظامی را مورد حمله قرار دهند. علاوه بر این، حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی مانند شبکه‌های آب و برق، که برای بقای انسانی و ارائه خدمات اساسی ضروری هستند، نمونه دیگری از اقدامات غیرقانونی اسرائیل است که می‌تواند به عنوان جنایت جنگی طبقه‌بندی شود. این حملات باعث شده است که مردم غیرنظامی از دسترسی به منابع حیاتی محروم شوند و در شرایط انسانی فاجعه‌باری قرار گیرند. تخریب عمدی چنین زیرساخت‌هایی، که اثرات گسترده و طولانی مدتی بر زندگی غیرنظامیان دارد، از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه غیرقابل توجیه است و صدمات وارده به غیرنظامیان فراتر از هرگونه مزیت نظامی مشروعی است که ممکن است ادعا شود. همچنین، استفاده از سلاح‌های نامتناسب و حملات کورکورانه علیه مناطق پرجمعیت، مصداق دیگری از جنایات جنگی است که در غزه و جنوب لبنان به وقوع پیوسته است. این حملات که بدون توجه به تمایز میان اهداف نظامی و غیرنظامی انجام شده‌اند، نقض صریح اصل تناسب هستند که بر اساس آن، آسیب‌های وارده به غیرنظامیان نباید بیش از حد نسبت به مزیت نظامی مورد انتظار باشد. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهند که رژیم صهیونیستی از بمب‌ها و تسلیحاتی استفاده کرده است که اثرات ویرانگر گسترده‌ای دارند و غیرنظامیان را به طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهند. علاوه بر شواهد موجود، اظهارات برخی مقامات اسرائیلی که در رسانه‌ها منتشر شده است، حاکی از قصد و نیت آنان برای هدف قرار دادن غیرنظامیان و ایجاد فشار روانی بر جمعیت عمومی است. این گونه اظهارات و سیاست‌های اعلام‌شده، تأکیدی بر عمدی بودن حملات و برنامه‌ریزی قبلی برای اعمال خشونت علیه غیرنظامیان دارند، که می‌تواند به عنوان سندی برای اثبات جنایات جنگی مطرح شود.

با توجه به این شواهد و مستندات، می‌توان نتیجه گرفت که اقدامات رژیم صهیونیستی در غزه و جنوب لبنان پس از حمله طوفان الاقصی، از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مصادیق واضحی از جنایت جنگی محسوب می‌شود. این اقدامات نه تنها نقض آشکار حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است، بلکه وجدان عمومی جهانی را نیز به شدت جریحه‌دار کرده و ضرورت پیگیری قضایی بین‌المللی را برای محاکمه عاملان این جنایات برجسته می‌کند (Aminzadeh & Pakdel, 2023).

۲-۱-۱-۲- تخریب زیرساخت‌های حیاتی

برای اثبات این که اقدامات رژیم صهیونیستی در غزه و جنوب لبنان پس از حمله «طوفان الاقصی» مصداق جنایت جنگی است، می‌توان به تخریب عمدی زیرساخت‌های حیاتی به عنوان یکی از نمونه‌های بارز نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه استناد کرد. بر اساس مقررات بین‌المللی، از جمله کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن، تخریب زیرساخت‌هایی که برای بقای غیرنظامیان ضروری هستند، مانند شبکه‌های آب، برق، بیمارستان‌ها، مدارس و تأسیسات بهداشتی، غیرقانونی بوده و می‌تواند مصداق جنایت جنگی تلقی شود. این اقدامات به دلیل آسیب مستقیم و غیرمستقیمی که بر غیرنظامیان وارد می‌آورند، از لحاظ حقوقی غیرقابل توجیه بوده و اصول بنیادین بشردوستی، تفکیک و تناسب را نقض می‌کنند. رژیم صهیونیستی در حملات گسترده خود به غزه و جنوب لبنان، بارها تأسیسات زیربنایی حیاتی را به طور عمدی هدف قرار داده است. این تخریب‌ها شامل بمباران نیروگاه‌های برق، مخازن آب، سیستم‌های فاضلاب، جاده‌ها، پل‌ها و حتی بیمارستان‌ها و مدارس بوده است. هدف قرار دادن این تأسیسات به وضوح نشان‌دهنده نیت قبلی برای آسیب رساندن به جمعیت غیرنظامی و ایجاد بحران انسانی است. این اقدامات نه تنها موجب اختلال شدید در زندگی روزمره مردم می‌شود، بلکه تبعات بلندمدتی مانند گسترش بیماری‌ها، افزایش فقر، بی‌خانمانی

انسانی در این مناطق می‌افزاید. این تخریب‌ها، علاوه بر صدمات مستقیم، پیامدهای غیرمستقیم و بلندمدتی نیز دارند. برای مثال، از بین رفتن زیرساخت‌های بهداشتی و خدمات درمانی در مناطق تحت محاصره، روند بازسازی و بازگشت به زندگی عادی را به شدت دشوار کرده و باعث می‌شود که این جوامع سال‌ها در فقر و محرومیت باقی بمانند. از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، این اقدامات نه تنها به دلیل آسیب‌های گسترده‌ای که به غیرنظامیان وارد می‌کنند، بلکه به دلیل نبود توجیه نظامی برای هدف قرار دادن این تأسیسات، جنایت جنگی محسوب می‌شوند (Altaweel, 2024).

با توجه به این شواهد و مستندات، می‌توان گفت که تخریب عمدی زیرساخت‌های حیاتی توسط رژیم صهیونیستی در غزه و جنوب لبنان، مصداقی آشکار از جنایت جنگی است. این اقدامات نشان‌دهنده نقض اصول اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند و باید در مراجع قضایی بین‌المللی مورد بررسی و پیگرد قرار گیرند تا عدالت برای قربانیان این جنایات تأمین شود.

۲-۱-۱-۱-۳- محاصره انسانی غزه

برای اثبات اینکه اقدامات رژیم صهیونیستی در لبنان و غزه پس از «طوفان الاقصی» مصداق جنایت جنگی است، یکی از مهم‌ترین شواهد، محاصره انسانی نوار غزه و ایجاد بحران انسانی در این منطقه است. محاصره انسانی، به‌ویژه در ابعاد گسترده و سیستماتیک که علیه غزه اعمال شده است، نقض آشکار حقوق بین‌الملل بشردوستانه و مصداق جنایت جنگی محسوب می‌شود. بر اساس مقررات بین‌المللی، از جمله ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو، اعمال هرگونه مجازات جمعی علیه غیرنظامیان، از جمله محرومیت آنان از دسترسی به غذا، دارو و خدمات ضروری، ممنوع است و به‌عنوان نقض فاحش حقوق بشری شناخته می‌شود. محاصره غزه که سال‌ها به‌طور مستمر ادامه داشته، پس از عملیات طوفان الاقصی در اکتبر ۲۰۲۳ به‌شدت تشدید شد. رژیم

و تضعیف ساختارهای اجتماعی را به دنبال دارد. برای مثال، در جریان حملات اخیر به غزه، نیروگاه برق اصلی این منطقه بارها مورد حمله قرار گرفته و تخریب شده است. این نیروگاه که منبع اصلی تأمین برق برای بیمارستان‌ها، مراکز درمانی، مدارس و خانه‌ها بود، پس از بمباران به طور کامل از کار افتاده است. قطع برق باعث شد بسیاری از بیمارستان‌ها نتوانند به بیماران خدمات ارائه دهند و عمل‌های جراحی ضروری لغو شوند. علاوه بر این، سیستم‌های آب‌رسانی که برای تأمین آب آشامیدنی و بهداشتی مورد استفاده قرار می‌گرفتند، به دلیل نبود برق و آسیب به تأسیسات تصفیه آب، از کار افتادند. این وضعیت، دسترسی مردم به آب سالم را محدود کرده و احتمال شیوع بیماری‌های واگیردار را به شدت افزایش داده است (Farahmandzad, 2023).

در جنوب لبنان نیز، حملات اسرائیل به پل‌ها و جاده‌های اصلی منجر به مسدود شدن مسیرهای ارتباطی و انتقال کمک‌های بشردوستانه شده است. بمباران پلهایی که برای حمل و نقل کالاهای ضروری و تردد آمبولانس‌ها استفاده می‌شد، عملاً بسیاری از مناطق را در انزوای کامل قرار داده و شرایط زندگی مردم را بحرانی کرده است. این اقدامات که به وضوح هیچ توجیه نظامی مشروعی ندارند، نشان‌دهنده استفاده از تخریب زیرساخت‌ها به عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر غیرنظامیان و ایجاد ترس و ناامیدی در میان آنان است. یکی دیگر از مصادیق آشکار این جنایات، هدف قرار دادن بیمارستان‌ها و مدارس در غزه بوده است. بمباران بیمارستان‌ها، که طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌عنوان اماکن حفاظت‌شده شناخته می‌شوند، نشان‌دهنده نقض آشکار تعهدات اسرائیل به احترام به اصل مصونیت غیرنظامیان است. علاوه بر این، حملات به مدارس و مراکز آموزشی که غالباً به‌عنوان پناهگاه برای آوارگان جنگی استفاده می‌شوند، منجر به کشته و زخمی شدن صدها زن و کودک شده است. چنین اقداماتی با هیچ معیاری از حقوق بین‌الملل قابل توجیه نیست و تنها بر عمق بحران

صهیونیستی با مسدود کردن گذرگاه‌های مرزی، مانع ورود مواد غذایی، دارویی، سوخت و سایر نیازهای اساسی به این منطقه شده است. علاوه بر این، حملات هوایی و زمینی، تأسیسات زیربنایی غزه از جمله نیروگاه برق و سیستم‌های آب‌رسانی را تخریب کرده و بحران انسانی را به اوج رسانده است. این محاصره نه تنها به عنوان اقدامی غیرقانونی، بلکه به عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر غیرنظامیان و تنبیه جمعی آنان مورد استفاده قرار گرفته است (Jafari Hezarani, 2023).

یکی از مثال‌های عینی از این بحران، قطع کامل برق در نوار غزه است که تأثیرات ویرانگری بر زندگی روزمره مردم داشته است. بیمارستان‌ها که از برق برای انجام عمل‌های جراحی، نگهداری از بیماران در بخش مراقبت‌های ویژه و ذخیره‌سازی داروهای حیاتی مانند انسولین استفاده می‌کنند، به دلیل قطع برق به شدت دچار مشکل شده‌اند. بسیاری از بیمارستان‌ها مجبور شده‌اند خدمات خود را کاهش دهند یا حتی برخی از بخش‌ها را تعطیل کنند. کمبود سوخت برای ژنراتورها نیز بحران را تشدید کرده و هزاران بیمار، به‌ویژه کودکان و سالمندان، در معرض خطر مرگ قرار گرفته‌اند. محاصره همچنین تأمین مواد غذایی را مختل کرده است. با مسدود شدن گذرگاه‌ها و تخریب مزارع و منابع آب، مردم غزه از دسترسی به مواد غذایی کافی و سالم محروم شده‌اند. براساس گزارش‌های سازمان ملل، بسیاری از خانواده‌ها در غزه تنها یک وعده غذایی در روز مصرف می‌کنند و سوءتغذیه به‌ویژه در میان کودکان به شدت افزایش یافته است. این وضعیت به‌وضوح نقض حق دسترسی به غذا و تغذیه کافی است که در اسناد حقوق بشری بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. علاوه بر این، بحران آب آشامیدنی در غزه نیز نمونه دیگری از پیامدهای محاصره است. تخریب تأسیسات تصفیه آب و نبود سوخت کافی برای پمپاژ آب، موجب شده است که بخش زیادی از جمعیت غزه به آب آلوده دسترسی داشته باشند. مصرف آب آلوده منجر به شیوع بیماری‌های

گوارشی و عفونی شده و جان هزاران نفر، به‌ویژه کودکان، را تهدید می‌کند. این بحران به‌طور مستقیم نتیجه محاصره و حملات رژیم صهیونیستی است که عمداً زیرساخت‌های حیاتی را هدف قرار داده‌اند. مسدود شدن گذرگاه رفح نیز که تنها راه ارتباطی زمینی غزه با جهان خارج است، نمونه دیگری از نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. بسیاری از مجروحان و بیماران که نیاز به درمان فوری در خارج از غزه داشتند، به دلیل بسته بودن این گذرگاه جان خود را از دست داده‌اند. همچنین، مانع‌تراشی در ارسال کمک‌های بشردوستانه بین‌المللی، از جمله مواد غذایی و دارو، نشان‌دهنده نیت آشکار برای ایجاد بحران انسانی و اعمال فشار بر غیرنظامیان است.

محاصره انسانی غزه، با توجه به ابعاد گسترده و تأثیرات فاجعه‌بار آن، به‌عنوان شکلی از جنایت جنگی شناخته می‌شود. این اقدامات نه تنها زندگی میلیون‌ها انسان را به خطر انداخته، بلکه اصول بنیادین حقوق بشردوستانه، از جمله اصل تفکیک، تناسب و ضرورت، را نقض کرده است. محاصره غزه مصداق آشکار از تنبیه جمعی است که بر اساس قوانین بین‌المللی به‌شدت ممنوع است. این شرایط به وضوح نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی از محاصره به‌عنوان ابزاری برای فشار بر غیرنظامیان استفاده می‌کند که این امر باید در مراجع قضایی بین‌المللی مورد رسیدگی و پیگرد قرار گیرد.

۲-۱-۱-۴- استفاده از سلاح‌های ممنوعه

یکی از مصادیق تطبیق اقدامات اسرائیل در لبنان و غزه پس از طوفان الاقصی با جنایت جنگی، استفاده از سلاح‌های ممنوعه است. حقوق بین‌الملل بشردوستانه، از جمله پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو و کنوانسیون‌های خاص مانند کنوانسیون ۱۹۸۰ درباره برخی سلاح‌های متعارف، استفاده از سلاح‌هایی را که باعث آسیب‌های گسترده و غیرقابل کنترل می‌شوند یا اثرات طولانی‌مدت بر محیط زیست و سلامت انسانی دارند، ممنوع کرده

است. این ممنوعیت‌ها به‌ویژه بر سلاح‌های شیمیایی، فسفوری، خوشه‌ای و سلاح‌هایی که به‌طور خاص برای آسیب به غیرنظامیان طراحی شده‌اند، تأکید دارند. در جریان حملات اسرائیل به غزه و جنوب لبنان، گزارش‌های متعددی از استفاده از سلاح‌های فسفر سفید منتشر شده است. فسفر سفید ماده‌ای شیمیایی است که هنگام تماس با اکسیژن مشتعل می‌شود و دمای بسیار بالا تولید می‌کند. این ماده در مناطق پرجمعیت غزه به‌کار گرفته شده است، جایی که امکان تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی وجود ندارد. استفاده از فسفر سفید در مناطق پرجمعیت به دلیل اثرات مخرب آن بر غیرنظامیان و محیط زیست، نقض اصول تفکیک و تناسب در حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌شود. این ماده نه تنها باعث سوختگی‌های شدید و مرگ و میر فوری می‌شود، بلکه اثرات بلندمدت بر سلامت افراد و محیط زیست بر جای می‌گذارد (Royvaran, 2023).

یک نمونه عینی از این موضوع به سال‌های گذشته و همچنین به حملات اخیر برمی‌گردد که در آن تصاویر و گزارش‌های مستقلاً از استفاده ارتش اسرائیل از فسفر سفید در مناطق پرجمعیت غزه منتشر شده است. این حملات به آتش‌سوزی‌های گسترده، تخریب منازل و مجروح شدن غیرنظامیان، از جمله کودکان و سالمندان، منجر شده است. علاوه بر این، بازماندگان این حملات اغلب دچار عوارض جسمی و روانی طولانی‌مدت می‌شوند که دسترسی محدود به خدمات درمانی در غزه این بحران را تشدید می‌کند.

از سوی دیگر، استفاده از بمب‌های خوشه‌ای نیز توسط اسرائیل در جنوب لبنان گزارش شده است. بمب‌های خوشه‌ای به دلیل ماهیتشان که تعداد زیادی زیرمهمات انفجاری را در منطقه‌ای وسیع پراکنده می‌کنند، خطرات شدیدی برای غیرنظامیان ایجاد می‌کنند، به‌ویژه زمانی که برخی از این زیرمهمات منفجر نشده باقی می‌مانند و به‌عنوان مین‌های زمینی عمل می‌کنند. در حملات اخیر، مناطقی از جنوب لبنان که به‌طور کامل مسکونی بوده‌اند، هدف این بمب‌ها

قرار گرفته‌اند. گزارش‌های حقوق بشری نشان می‌دهد که این حملات نه تنها جان بسیاری از غیرنظامیان را گرفته، بلکه باعث شده زمین‌های کشاورزی و مناطق قابل سکونت به مناطقی خطرناک تبدیل شوند که استفاده از آن‌ها برای سال‌ها غیرممکن خواهد بود. استفاده از چنین سلاح‌هایی به‌طور مستقیم اصول حقوق بشردوستانه، به‌ویژه اصول تفکیک، تناسب و منع ایجاد رنج غیرضروری را نقض می‌کند. اصل تفکیک ایجاب می‌کند که میان اهداف نظامی و غیرنظامیان تفاوت قائل شویم و حملات تنها به اهداف نظامی محدود شود. اما در حملات اسرائیل، این اصول به‌وضوح نادیده گرفته شده است. همچنین، اصل تناسب که حملات نظامی را به‌گونه‌ای محدود می‌کند که زیان وارده به غیرنظامیان بیش از مزیت نظامی آن نباشد، در استفاده از سلاح‌های ممنوعه کاملاً نقض شده است. افزون بر این، رنج و آسیب‌های بلندمدتی که این سلاح‌ها بر غیرنظامیان وارد می‌کنند، نقض ممنوعیت ایجاد رنج غیرضروری در جنگ‌ها است (Levite, 2024).

گزارش‌های نهادهای بین‌المللی مانند دیده‌بان حقوق بشر و سازمان عفو بین‌الملل بارها بر استفاده اسرائیل از این سلاح‌ها و اثرات مخرب آن‌ها تأکید کرده‌اند. این گزارش‌ها نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی به‌صورت سیستماتیک از این ابزارهای ممنوعه استفاده کرده و این اقدامات را به‌عنوان بخشی از استراتژی نظامی خود در مناطق پرجمعیت انجام داده است. این موارد، در صورت بررسی دقیق و بی‌طرفانه در دادگاه‌های بین‌المللی، به‌وضوح می‌تواند مصداق جنایت جنگی تلقی شود و نشان‌دهنده نادیده گرفتن قوانین بین‌المللی توسط رژیم اسرائیل باشد.

۲-۱-۱-۲- جنایات علیه بشریت

کشتار جمعی، اخراج اجباری جمعیت فلسطینی، اعمال شکنجه و تحمیل شرایط غیرانسانی از جمله مصادیق این جنایات است.

۲-۱-۱-۲- قتل عام و کشتار جمعی

یکی از برجسته‌ترین دلایل تطبیق اقدامات اسرائیل در لبنان و غزه پس از طوفان الاقصی با جنایات علیه بشریت، وقوع قتل‌عام و کشتار جمعی غیرنظامیان است. جنایات علیه بشریت، طبق تعریف اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری، شامل اقداماتی سازمان‌یافته و گسترده علیه جمعیت غیرنظامی می‌شود، مانند قتل، نابودی، تبعید یا آزار رساندن بر اساس دلایل سیاسی، قومی یا ملی. این تعریف بر گستردگی، برنامه‌ریزی و هدف‌گیری سیستماتیک تأکید دارد. قتل‌عام و کشتار جمعی از مصادیق اصلی این اقدامات به شمار می‌رود که به وضوح در عملیات نظامی اسرائیل علیه غیرنظامیان قابل مشاهده است.

در جریان حملات اسرائیل به غزه و جنوب لبنان، شواهد و گزارش‌های متعددی از کشتار دسته‌جمعی غیرنظامیان وجود دارد که به‌طور خاص زنان، کودکان و سالخورده‌گان را هدف قرار داده است. بمباران‌های هوایی گسترده، هدف‌گیری مناطق پرجمعیت، و عدم رعایت اصول تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی از جمله مواردی هستند که این کشتارها را به جنایات علیه بشریت نزدیک می‌کند. در برخی موارد، خانواده‌های کامل در حملات هوایی از بین رفته‌اند و صدها نفر در عرض چند ساعت جان خود را از دست داده‌اند. نمونه‌ای از این وقایع، حمله به اردوگاه جبلیا در غزه است که منجر به کشته شدن ده‌ها غیرنظامی و نابودی کامل منازل مسکونی شد. این حمله که به بهانه هدف قرار دادن شبه‌نظامیان انجام شد، به وضوح نشان‌دهنده عدم تناسب و بی‌توجهی کامل به جان غیرنظامیان بود. علاوه بر حملات هوایی، محاصره طولانی‌مدت غزه نیز بستر لازم برای وقوع این قتل‌عام‌ها را فراهم کرده است. بسته شدن مسیرهای خروجی و عدم امکان جابجایی غیرنظامیان باعث شده که مردم عملاً در مناطق جنگی گرفتار شوند و هیچ راهی برای نجات نداشته باشند. در چنین شرایطی، بمباران‌های گسترده و بی‌رویه، به معنای کشتار سیستماتیک غیرنظامیان است. همچنین، هدف قرار دادن

زیرساخت‌های حیاتی مانند بیمارستان‌ها، مدارس و پناهگاه‌ها، که طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه باید از حملات مصون باشند، نشان‌دهنده قصد مشخص برای آسیب رساندن به جمعیت غیرنظامی است. یکی از نمونه‌های برجسته، بمباران بیمارستان "الشفاء" در غزه بود که نه تنها جان بیماران و کادر درمانی را گرفت، بلکه دسترسی به خدمات پزشکی برای هزاران نفر را مختل کرد و عملاً یک بحران انسانی را تشدید کرد (Foroughi, 2024).

در جنوب لبنان نیز، حملات اسرائیل به مناطقی که عمدتاً مسکونی بودند، نمونه‌های آشکاری از کشتار جمعی را به نمایش گذاشته است. بمباران مناطقی مانند "قانا"، که پیش‌تر نیز در تاریخ به‌عنوان مکان جنایات جنگی اسرائیل شناخته شده بود، بار دیگر غیرنظامیان را قربانی حملات گسترده کرد. در حملات اخیر، ده‌ها غیرنظامی که در یک پناهگاه عمومی پناه گرفته بودند، به دلیل بمباران مستقیم جان خود را از دست دادند. این اقدامات، که بدون هیچ تفکیکی میان اهداف نظامی و غیرنظامی انجام شد، به وضوح نقض قوانین بین‌المللی و اصول اخلاقی جنگ است.

قتل‌عام و کشتار جمعی به عنوان یکی از مصادیق جنایات علیه بشریت، نه تنها موجب نقض حقوق اولیه انسان‌ها مانند حق حیات می‌شود، بلکه اثرات طولانی‌مدتی بر بافت اجتماعی و روانی جوامع برجای می‌گذارد. در این زمینه، اقدامات اسرائیل در غزه و لبنان به وضوح نشان‌دهنده تمایل به ایجاد رعب و وحشت در میان جمعیت غیرنظامی است. این اقدامات، با هدف تخریب پایه‌های اجتماعی و روانی جامعه، نوعی از تروریسم دولتی را نمایان می‌سازد که مستقیماً به حقوق بین‌الملل کیفری و بشردوستانه تجاوز می‌کند. گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی مانند دیده‌بان حقوق بشر و سازمان عفو بین‌الملل، بارها به این جنایات اشاره کرده و خواستار تحقیق مستقل و بی‌طرفانه در مورد این اقدامات شده‌اند. این سازمان‌ها تأکید دارند که قتل‌عام‌های گسترده و

بسیاری از خانوارها و کسب و کارها مختل شود. این امر نه تنها فعالیت اقتصادی را به شدت کاهش داد، بلکه خدمات اساسی مانند بهداشت و آموزش را نیز فلج کرد. در همین راستا، بمباران مخازن آب و سیستم‌های آبرسانی، زندگی روزمره مردم را با بحران مواجه کرد و آنان را به استفاده از منابع آلوده وادار ساخت. این وضعیت نه تنها سلامت عمومی را تهدید می‌کند، بلکه هزینه‌های اضافی برای تهیه آب سالم بر مردم تحمیل می‌کند که توان اقتصادی آن‌ها را بیش از پیش کاهش می‌دهد. در جنوب لبنان نیز، حملات هوایی و توپخانه‌ای اسرائیل به زیرساخت‌های اقتصادی و معیشتی مردم صدمات جدی وارد کرده است. مناطق روستایی که وابسته به دامداری و کشاورزی هستند، به‌طور هدفمند مورد حمله قرار گرفته و بسیاری از احشام، انبارهای ذخیره غذا و ماشین‌آلات کشاورزی نابود شده‌اند. همچنین، بازارها و مراکز تجاری کوچک که نقش مهمی در تأمین معیشت محلی دارند، در این حملات تخریب شده‌اند. یکی از نمونه‌های برجسته، بمباران پل‌ها و جاده‌های اصلی در جنوب لبنان است که عملاً دسترسی به بازارها و جابه‌جایی کالاها را غیرممکن کرده و اقتصاد محلی را فلج کرده است. محاصره طولانی مدت غزه نیز یکی از ابزارهای اصلی نابودی معیشت مردم این منطقه بوده است. این محاصره که شامل محدودیت شدید بر ورود و خروج کالاها، سوخت، و مواد اولیه است، موجب شده که بسیاری از صنایع کوچک و متوسط تعطیل شوند و نرخ بیکاری به سطوح بی‌سابقه‌ای برسد. این سیاست‌ها، همراه با حملات نظامی، نه تنها اقتصاد منطقه را به‌طور کامل تخریب کرده، بلکه مردم را به وابستگی به کمک‌های انسانی بین‌المللی سوق داده است. چنین وضعیتی، علاوه بر نابودی استقلال اقتصادی مردم، آن‌ها را در برابر بحران‌های انسانی و اجتماعی آسیب‌پذیرتر می‌کند. بر اساس قوانین بین‌المللی، تخریب عمدی و گسترده منابع معیشتی جمعیت غیرنظامی که بدون توجیه نظامی انجام شود، مصداق جنایات علیه بشریت است. گزارش‌های

برنامه‌ریزی شده، همراه با هدف قرار دادن عمدی غیرنظامیان، به وضوح مصداق جنایات علیه بشریت است و لازم است که عاملان این جنایات در محاکم بین‌المللی پاسخگو باشند. از این رو، شواهد جمع‌آوری شده می‌تواند مبنایی قوی برای طرح پرونده‌ای علیه اسرائیل در دیوان بین‌المللی کیفری باشد.

۱-۲-۱-۲- نابودی عمدی معیشت مردم

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های جنایات علیه بشریت، نابودی عمدی معیشت مردم است، که در قالب سیاست‌های سیستماتیک و گسترده‌ای انجام می‌شود تا زندگی عادی و پایدار جمعیت غیرنظامی مختل گردد. نابودی معیشت مردم در غزه و جنوب لبنان پس از حمله طوفان الاقصی به‌خوبی نشان‌دهنده این نوع اقدام است و مصادیق متعددی از آن را می‌توان در عملکرد نظامی و سیاسی اسرائیل مشاهده کرد. معیشت مردم غزه و لبنان از جهات مختلف وابسته به زیرساخت‌های اساسی اقتصادی، کشاورزی، صنعتی، و خدمات عمومی است. یکی از جنبه‌های نابودی معیشت، تخریب عمدی زیرساخت‌های اقتصادی است که شامل کارخانه‌ها، زمین‌های کشاورزی، بازارها و بنادر می‌شود. در جریان حملات اسرائیل، بسیاری از زمین‌های کشاورزی در غزه با بمباران گسترده نابود شدند، که نه تنها معیشت کشاورزان را از بین برد بلکه امنیت غذایی کل جمعیت منطقه را نیز به خطر انداخت. برای مثال، منطقه "خان یونس"، که به‌عنوان یکی از مراکز اصلی تولید محصولات کشاورزی در غزه شناخته می‌شود، در حملات اخیر به‌شدت آسیب دید و بسیاری از زمین‌ها و محصولات کشاورزی آن نابود شدند. این اقدامات عملاً کشاورزان را از منابع درآمدشان محروم کرد و زنجیره تأمین مواد غذایی را به‌طور جدی مختل نمود (Zanotti & Sharp, 2023).

تخریب منابع آب و انرژی نیز از دیگر مواردی است که مستقیماً به نابودی معیشت مردم منجر شده است. حمله به نیروگاه برق غزه و تخریب خطوط انتقال برق باعث شد که دسترسی به برق برای

شدند. این جابه‌جایی‌ها، در بسیاری از موارد به‌صورت اجباری و بدون توجه به حقوق بشر انجام شده و شرایطی را ایجاد کرده که بسیاری از افراد و خانواده‌ها از خانه‌های خود رانده شده‌اند و مجبور به اسکان در مناطق دیگر یا پناهگاه‌ها شده‌اند. این نوع جابه‌جایی‌ها، که در بسیاری از موارد بدون تأمین حداقل شرایط انسانی صورت می‌گیرد، نقض آشکار حق بر آزادی سکونت و جابه‌جایی افراد است.

در غزه، تخریب گسترده خانه‌ها و محله‌ها و همچنین حملات هوایی و توپخانه‌ای اسرائیل، باعث شده است که میلیون‌ها نفر از مردم این منطقه خانه‌های خود را ترک کنند. در بسیاری از موارد، اسرائیل مناطق خاصی را به‌عنوان مناطق امن اعلام کرده و به‌طور اجباری مردم را از مناطق دیگر اخراج کرده است. این سیاست، که در برخی موارد به‌طور گسترده و سیستماتیک اجرا شده، باعث شده است که افراد به‌طور جمعی و تحت فشار به مکان‌های دیگر منتقل شوند. برای مثال، در طول حملات اخیر، بسیاری از خانواده‌ها مجبور به ترک مناطق غزه و پناه گرفتن در اردوگاه‌های پناهندگان یا مناطق مرزی با مصر و اسرائیل شدند. این جابه‌جایی‌ها، به‌ویژه زمانی که با تهدیدات نظامی و عدم دسترسی به کمک‌های بشردوستانه همراه باشد، می‌تواند مصداقی از تبعید و انتقال اجباری جمعیت به شمار آید (Fathi, 2011).

در لبنان نیز، پس از حملات اسرائیل در مناطق جنوبی این کشور، بسیاری از مردم مجبور به ترک خانه‌های خود شدند. حملات هوایی و توپخانه‌ای به شهرها و روستاهای جنوبی لبنان، که به‌ویژه به‌هدف تضعیف مقاومت حزب‌الله انجام می‌شود، باعث آوارگی و جابه‌جایی گسترده جمعیت در این مناطق شده است. بسیاری از مردم از خانه‌های خود فرار کرده و به مناطق دیگر لبنان یا کشورهای همسایه پناه برده‌اند. این جابه‌جایی‌ها، که در برخی موارد با فشارهای نظامی و تهدید به بمباران همراه بوده، به‌طور سیستماتیک به‌منظور تغییر ترکیب جمعیتی و به‌ویژه برای تضعیف

متعددی از سوی سازمان‌های حقوق بشری مانند دیده‌بان حقوق بشر و عفو بین‌الملل منتشر شده که به‌طور مشخص به این جنایات اشاره کرده‌اند. برای مثال، در یکی از گزارش‌ها تأکید شده که هدف قرار دادن زیرساخت‌های اقتصادی و خدماتی در غزه و لبنان، بخشی از سیاست عمدی برای تضعیف معیشت مردم و ایجاد فشار اجتماعی است. این اقدامات، با هدف شکستن مقاومت مردم و تحمیل شرایط تسلیم انجام می‌شود و به‌وضوح جنبه سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده دارد. در نهایت، نابودی معیشت مردم به‌عنوان یکی از ابزارهای جنایات علیه بشریت، تأثیرات مخرب و بلندمدتی بر جوامع هدف می‌گذارد. این اقدامات، نه تنها اقتصاد محلی را تخریب می‌کند، بلکه موجب افزایش فقر، مهاجرت اجباری و نابودی بافت اجتماعی می‌شود. چنین شرایطی، مصداق آشکاری از نقض حقوق بشر و تجاوز به حقوق بین‌المللی است که ضرورت پاسخگویی و رسیدگی در محاکم بین‌المللی را برجسته می‌سازد (Farahmandzad, 2023).

۱-۲-۳- تبعید و انتقال اجباری جمعیت

تبعید و انتقال اجباری جمعیت یکی از جنایات علیه بشریت است که به‌طور معمول در شرایط جنگی و تحت سلطه نظام‌های سرکوبگر رخ می‌دهد. این اقدام، که می‌تواند به‌صورت سیستماتیک و با هدف تغییر بافت جمعیتی یا اعمال فشار بر جمعیت‌های خاص صورت گیرد، به‌طور مستقیم حقوق بشر و کرامت انسانی را نقض می‌کند. در خصوص اقدامات اسرائیل در غزه و لبنان پس از حمله طوفان الاقصی، نمونه‌های متعددی از تبعید و انتقال اجباری جمعیت به چشم می‌خورد که می‌تواند مصداق جنایت علیه بشریت تلقی شود. یکی از مهم‌ترین مصادیق تبعید و انتقال اجباری جمعیت در این زمینه، حملات نظامی اسرائیل است که منجر به آوارگی و جابه‌جایی گسترده مردم در غزه و جنوب لبنان شده است. پس از آغاز حملات، بسیاری از مردم مجبور به ترک خانه‌ها و مناطق خود به‌دلیل تهدیدات نظامی و بمباران‌های سنگین

مقاومت صورت گرفته است. یکی از نمونه‌های بارز تبعید و انتقال اجباری جمعیت، در سال‌های گذشته در نتیجه محاصره غزه نیز مشاهده می‌شود، جایی که اسرائیل به‌طور سیستماتیک اقدام به تخریب خانه‌ها و زیرساخت‌ها کرده است تا جمعیت را مجبور به ترک مناطق خاص کند. در این شرایط، نه تنها مردم از خانه‌ها و زمین‌های خود بی‌بهره می‌شوند بلکه شرایط زندگی آن‌ها به‌طور جدی تهدید می‌شود و بسیاری از آن‌ها به دلیل نبود امنیت و امکانات اولیه مجبور به مهاجرت به مناطق دیگر می‌شوند.

براساس حقوق بین‌الملل، تبعید و انتقال اجباری جمعیت در شرایطی که به‌طور غیرقانونی و با هدف تغییر بافت جمعیتی صورت گیرد، به‌عنوان جنایت علیه بشریت شناخته می‌شود. این اقدام نه تنها حق بر آزادی حرکت و سکونت را نقض می‌کند بلکه موجب فروپاشی بافت اجتماعی و فرهنگی جوامع هدف می‌شود و آسیب‌های بلندمدتی به نسل‌های آینده می‌زند. همچنین، تبعید اجباری می‌تواند پیامدهای روانی و اجتماعی زیادی برای افراد درگیر داشته باشد و موجب ایجاد بحران‌های انسانی و اجتماعی در مقیاس وسیع شود. در نهایت، جابه‌جایی اجباری جمعیت در مناطق جنگی به‌ویژه زمانی که به‌طور سیستماتیک و با هدف تغییر ترکیب جمعیتی انجام می‌شود، مصداق آشکار جنایت علیه بشریت است. اقدامات اسرائیل در غزه و جنوب لبنان پس از طوفان الاقصی، که با هدف تحت فشار قرار دادن و تضعیف مقاومت صورت می‌گیرد، نمونه‌ای بارز از این نوع جنایت است که نیازمند پیگیری‌های حقوقی و بین‌المللی می‌باشد (Stamatopoulou, 2024).

۲-۱-۱-۲-۴-۱-۴ اعمال شرایط غیرانسانی

اعمال شرایط غیرانسانی یکی از مصادیق جنایات علیه بشریت است که به‌طور معمول در شرایط جنگی و تحت سلطه رژیم‌های سرکوبگر رخ می‌دهد. این اقدام به معنای ایجاد شرایطی است که موجب رنج و درد بی‌پایان برای افراد می‌شود و حقوق انسانی و

کرامت فردی آن‌ها را به‌طور عمدی و سیستماتیک نقض می‌کند. در خصوص اقدامات اسرائیل در غزه و جنوب لبنان پس از حمله طوفان الاقصی، مصادیق بسیاری از اعمال شرایط غیرانسانی وجود دارد که می‌تواند به‌عنوان جنایت علیه بشریت شناخته شود. یکی از بارزترین نمونه‌ها در این زمینه، وضعیت انسانی مردم غزه است که به دلیل محاصره شدید اسرائیل، دچار شرایط غیرانسانی و غیرقابل تحملی شده‌اند. محاصره غزه به‌طور مؤثر منجر به کمبود شدید کالاهای اساسی، دارو، سوخت و غذا برای بیش از دو میلیون نفر شده است. شرایط پزشکی در غزه به‌ویژه با توجه به تخریب بیمارستان‌ها و مراکز درمانی توسط حملات هوایی اسرائیل، به شدت وخیم شده است. این وضعیت باعث شده است که مردم غزه در معرض خطر بیماری‌ها، مرگ و جراحات‌های شدید قرار گیرند و توانایی دسترسی به درمان‌های پزشکی را از دست بدهند. این‌گونه اقدامات به‌وضوح شرایط غیرانسانی را برای مردم غزه ایجاد کرده است که نه تنها نقض حقوق بشر بلکه مصداق بارز جنایت علیه بشریت است.

در جنوب لبنان نیز، حملات اسرائیل پس از طوفان الاقصی منجر به تخریب گسترده زیرساخت‌ها و تأسیسات حیاتی شده است. این اقدامات، که به‌ویژه در مناطق غیرنظامی متمرکز است، مردم را در شرایط غیرانسانی قرار داده و زندگی روزمره آن‌ها را به‌طور جدی تهدید کرده است. بسیاری از مردم در جنوب لبنان به دلیل تخریب خانه‌ها و زیرساخت‌های اساسی خود مجبور به ترک خانه‌هایشان شده‌اند و در شرایطی بسیار دشوار در پناهگاه‌ها زندگی می‌کنند. این شرایط به‌طور عمدی و با هدف اعمال فشار به جمعیت غیرنظامی طراحی شده است و باعث شده که مردم بدون دسترسی به نیازهای اولیه مانند آب، برق، سوخت و مواد غذایی زندگی کنند. یکی دیگر از مصادیق شرایط غیرانسانی در این خصوص، اعمال محدودیت‌های شدید بر دسترسی مردم به کمک‌های بشردوستانه است. در غزه، اسرائیل به‌طور مکرر مانع از ورود

۳- راهکارهای پیشنهادی پیگیری جنایات ارتكابی رژیم صهیونیستی در غزه و جنوب لبنان

برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیوان بین‌المللی کیفری، اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

۳-۱- مستندسازی حرفه‌ای

سازمان‌های حقوق بشری و نهادهای فلسطینی باید شواهد جنایات را با دقت جمع‌آوری و ارائه کنند. مستندسازی حرفه‌ای یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین راهکارهای پیگیری جنایات ارتكابی رژیم صهیونیستی در غزه و جنوب لبنان است. در شرایطی که شواهد و مدارک مستقیم از وقوع جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت ممکن است در میدان نبرد یا مناطق درگیری به راحتی از بین بروند یا تحریف شوند، مستندسازی دقیق و علمی می‌تواند نقشی اساسی در شناسایی، اثبات و پیگیری این جنایات داشته باشد. مستندسازی حرفه‌ای نه تنها به جمع‌آوری شواهد فیزیکی و تصویری از رویدادها می‌پردازد، بلکه باید از روش‌های قانونی و فنی برای حفظ اعتبار این مدارک در مراجع بین‌المللی استفاده کند تا در مراحل دادرسی و تحقیقات، از پذیرش آن‌ها اطمینان حاصل شود. در این راستا، مستندسازی می‌تواند شامل جمع‌آوری انواع مختلف شواهد، مانند فیلم‌ها، تصاویر، شهادت‌های شاهدان عینی، گزارش‌های پزشکی و پزشکی قانونی، گزارش‌های خبری و داده‌های مربوط به نقض حقوق بشر باشد. استفاده از تکنولوژی‌های نوین مانند پهپادها، تصاویر ماهواره‌ای و دیگر ابزارهای پیشرفته برای نظارت و جمع‌آوری شواهد، امکان بررسی و مستندسازی دقیق‌تری از وقایع را فراهم می‌آورد. به‌ویژه در مناطقی مثل غزه و جنوب لبنان که دسترسی به آن‌ها برای سازمان‌های حقوق بشری و رسانه‌ها محدود است، مستندسازی از راه دور می‌تواند نقش مهمی در ارائه شواهد دقیق و مستند ایفا کند (Rekabian & Padarvand, 2024).

کمک‌های انسانی به این منطقه می‌شود و اجازه نمی‌دهد که سازمان‌های بین‌المللی به مردم نیازمند کمک کنند. این محدودیت‌ها به‌ویژه پس از حملات گسترده‌تر و تخریب زیرساخت‌ها تشدید شده و مردم را در وضعیت بسیار دشواری قرار داده است. این گونه اقدامات، که با هدف آسیب زدن به مردم غزه و اعمال فشار بر آن‌ها صورت می‌گیرد، نمونه‌ای از شرایط غیرانسانی است که می‌تواند به عنوان جنایت علیه بشریت در نظر گرفته شود. در این زمینه، یکی از مصادیق روشن شرایط غیرانسانی که به‌طور ویژه به مردم غزه تحمیل شده، استفاده از سلاح‌های شیمیایی و بمب‌های خوشه‌ای است که به‌طور وسیع در این مناطق به کار رفته است. این سلاح‌ها نه تنها موجب خسارات جانی و مالی فراوان شده‌اند بلکه به‌طور مداوم برای غیرنظامیان شرایطی غیرانسانی ایجاد کرده‌اند. آسیب‌های این سلاح‌ها به‌ویژه برای زنان و کودکان در غزه و لبنان فاجعه‌بار بوده است و منجر به جراحات شدید، نقص عضو و مرگ و میرهایی به‌طور غیرقابل پیش‌بینی شده است. این گونه اقدامات نه تنها بر بدن افراد آسیب می‌زند بلکه بر روح و روان آن‌ها نیز تأثیرات منفی و عمیقی می‌گذارد و شرایط زندگی را به‌طور جدی غیرانسانی می‌کند (Mohammadi, 2023).

در نهایت، اعمال شرایط غیرانسانی در غزه و جنوب لبنان توسط اسرائیل، به‌ویژه پس از حمله طوفان الاقصی، نمونه‌ای از جنایت علیه بشریت است که با نقض فاحش حقوق بشر و کرامت انسانی همراه است. محاصره غزه، محدودیت‌های شدید بر دسترسی به کمک‌های بشردوستانه، تخریب زیرساخت‌ها، استفاده از سلاح‌های ممنوعه و دیگر اقدامات نظامی علیه غیرنظامیان، همگی نشان‌دهنده شرایط غیرانسانی هستند که مردم این مناطق در آن زندگی می‌کنند. این گونه اقدامات نه تنها به عنوان نقض آشکار حقوق بشر شناخته می‌شوند بلکه به عنوان جنایت علیه بشریت نیز باید تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.

امنیت سازمان ملل متحد یا دیوان بین‌المللی کیفری برای آغاز تحقیقات مستقل در مورد جنایات ارتكابی باشد. استفاده از گزارش‌های مستند و شهادت‌های عینی به‌ویژه توسط نهادهای حقوق بشری و رسانه‌های مستقل می‌تواند پایه‌گذار این فشارها باشد. علاوه بر آن، دولت‌ها می‌توانند از ظرفیت‌های موجود در حقوق بین‌الملل عمومی برای پیگیری جنایات استفاده کنند. به‌طور مثال، می‌توانند از مکانیزم‌های حقوقی مانند حق اقامه دعوی علیه نقض‌کنندگان حقوق بشر در دادگاه‌های بین‌المللی بهره‌برداری کنند و از ابزارهای دیپلماتیک برای به چالش کشیدن اقدامات رژیم صهیونیستی در مجامع بین‌المللی استفاده کنند (Farshadi, 2023).

همچنین، تقویت دیپلماسی حقوقی شامل استفاده از روابط دوجانبه و چندجانبه میان کشورها به‌ویژه کشورهای عربی و اسلامی با کشورهای قدرتمند جهان برای جلب توجه آن‌ها به نقض‌های حقوق بشری و اعمال فشار بر رژیم صهیونیستی است. فشارهای دیپلماتیک از طریق قطع روابط اقتصادی، تحریم‌های سیاسی، و اعتراض‌های عمومی می‌تواند ابزاری مؤثر برای فشار بر رژیم صهیونیستی به‌شمار رود. دیپلماسی حقوقی باید با توجه به قوانین بین‌المللی و استانداردهای حقوق بشری انجام شود تا از ابزارهای قانونی برای ایجاد تحولی مثبت در وضعیت حقوق بشر در منطقه استفاده شود. در نهایت، تقویت این نوع دیپلماسی می‌تواند به تحقق عدالت برای قربانیان جنایات رژیم صهیونیستی کمک کرده و موجب تحمیل پاسخگویی بر کسانی شود که مرتکب این جنایات شده‌اند.

۳-۳- همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی

همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی یکی از راهکارهای کلیدی برای پیگیری جنایات ارتكابی رژیم صهیونیستی در غزه و جنوب لبنان است. این همکاری‌ها می‌توانند در سطح‌های مختلف، از جمله کشورهای منطقه‌ای خاورمیانه و سازمان‌های بین‌المللی، نقش

مستندسازی حرفه‌ای باید با رعایت اصول بی‌طرفی، دقت و صحت انجام شود تا از هرگونه تحریف و دست‌کاری در شواهد جلوگیری گردد. همچنین این فرآیند باید با همکاری سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر، نهادهای غیر دولتی، خبرنگاران مستقل و کمیته‌های تحقیقاتی انجام شود تا در نهایت این شواهد برای محاکمه‌های بین‌المللی یا ارجاع به دیوان بین‌المللی کیفری معتبر باشد. یک مستندسازی موفق و جامع می‌تواند از آسیب‌های گسترده‌ای که در جنگ‌ها به حقوق بشر وارد می‌شود، پرده‌برداری کند و در نهایت به محاکمه و عدالت برای قربانیان این جنایات کمک کند. این روش به‌ویژه در شرایطی که درگیری‌ها به‌طور مداوم در حال تغییر است و مناطق مختلف تحت حملات شدید قرار می‌گیرند، می‌تواند به عنوان یک ابزار حفاظتی برای قربانیان و همچنین به‌منظور ایجاد شواهد برای پیگیری‌های قانونی در آینده عمل کند. مستندسازی دقیق و شفاف می‌تواند با کمک به جمع‌آوری شواهد معتبر، فشارهای بین‌المللی را برای پاسخگویی رژیم صهیونیستی به نقض‌های حقوق بشر و قوانین بین‌المللی افزایش دهد (Hossain, 2022).

۳-۲- تقویت دیپلماسی حقوقی

تقویت دیپلماسی حقوقی یکی از راهکارهای مهم برای پیگیری جنایات ارتكابی رژیم صهیونیستی در غزه و جنوب لبنان است. دیپلماسی حقوقی به معنای استفاده از ابزارهای حقوقی و دیپلماتیک برای ترویج و اجرای حقوق بشر و قوانین بین‌المللی است. در این راستا، کشورها، سازمان‌های بین‌المللی، و نهادهای حقوق بشری می‌توانند از طریق دیپلماسی فعال، فشارهای قانونی و سیاسی را بر رژیم صهیونیستی وارد کنند تا به نقض‌های حقوق بشری و جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت پایان داده شود. یکی از روش‌های دیپلماسی حقوقی، فشار به سازمان‌های بین‌المللی برای بررسی و ارزیابی نقض‌های حقوق بشر در غزه و جنوب لبنان است. این فشار می‌تواند شامل درخواست از شورای

مهمی در متوقف کردن نقض‌های حقوق بشر و جنایات جنگی ایفا کنند. برای رسیدن به این هدف، هم‌افزایی تلاش‌های کشورها و نهادهای مختلف می‌تواند به تقویت فشارهای سیاسی و حقوقی بر اسرائیل و تسریع در پاسخگویی به جرایم ارتكابی آن کمک کند. در سطح منطقه‌ای، کشورهای همسایه فلسطین و لبنان می‌توانند همکاری‌های استراتژیک و سیاسی را با هدف ایجاد جبهه‌ای واحد در برابر جنایات اسرائیل پیش ببرند. این کشورها می‌توانند با تبادل اطلاعات، تدوین استراتژی‌های مشترک، و تقویت شبکه‌های دیپلماتیک و حقوق بشری، فشارهای بین‌المللی را افزایش دهند و خواستار رسیدگی به نقض‌های اسرائیل در مجامع بین‌المللی شوند. به‌ویژه، کشورهای عربی می‌توانند با حمایت از تلاش‌های فلسطین و لبنان در راستای ارائه شکایات رسمی به دیوان بین‌المللی کیفری و سازمان ملل متحد، به عنوان یک جبهه متحد عمل کنند (Bahreini & Ramazani, 2024).

در سطح بین‌المللی، همکاری با نهادهای حقوق بشری و سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد، دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) و سایر سازمان‌های مدافع حقوق بشر می‌تواند نقش حیاتی در پیگیری و مستندسازی جنایات اسرائیل ایفا کند. کشورها می‌توانند با همکاری نزدیک با این نهادها و حمایت از اقدام‌های قانونی علیه رژیم صهیونیستی، زمینه‌ساز ارزیابی دقیق‌تر وضعیت و اقدام‌های قاطع‌تر در راستای پاسخگویی به این جنایات شوند. همچنین، همکاری‌های بین‌المللی می‌تواند شامل همکاری‌های اقتصادی و تجاری باشد. کشورهای مختلف می‌توانند با اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه رژیم صهیونیستی، فشارهای اقتصادی را به‌عنوان ابزاری برای مقابله با نقض حقوق بشر به کار بگیرند. این تحریم‌ها می‌توانند در زمینه‌های مختلف از جمله فروش سلاح، همکاری‌های تجاری، و سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی صورت گیرند و بر رفتار اسرائیل تأثیر بگذارند.

در نهایت، همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند علاوه بر افزایش فشارها، از ظرفیت‌های حقوقی و سیاسی برای جلب حمایت‌های قانونی استفاده کند. این امر می‌تواند به تشکیل کمیته‌های ویژه در سازمان‌های بین‌المللی برای بررسی دقیق‌تر وضعیت در غزه و جنوب لبنان منجر شود و همچنین می‌تواند باعث تسریع در روند رسیدگی به شکایات و درخواست‌های مطرح‌شده توسط کشورهای آسیب‌دیده گردد (Mohammadi & Khalghi, 2024).

۳-۴- ارجاع پرونده توسط شورای امنیت

یکی از راهکارهای مهم برای رفع موانع اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری بر جنایات اسرائیل، ارجاع مستقیم پرونده به دیوان توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد است. بر اساس ماده ۱۳ اساسنامه رم، دیوان بین‌المللی کیفری به عنوان یک نهاد مستقل قضائی، صلاحیت رسیدگی به جرایم بین‌المللی را تنها در صورتی داراست که پرونده به آن ارجاع شود. این ارجاع می‌تواند از سوی یک کشور عضو، دادستان دیوان، یا شورای امنیت سازمان ملل انجام شود. ارجاع پرونده به دیوان توسط شورای امنیت، بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل که به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مربوط می‌شود، ممکن است یکی از ابزارهایی باشد که برای غلبه بر موانع سیاسی و اجرایی موجود در خصوص جنایات اسرائیل به کار گرفته شود. شورای امنیت سازمان ملل به عنوان نهادی که از قدرت‌های اجرایی برخوردار است و می‌تواند تحریم‌ها و اقدامات اجرایی برای کشورهای مختلف اعمال کند، می‌تواند به عنوان یک مرجع تصمیم‌گیرنده در مورد ارجاع پرونده‌ها به دیوان ایفای نقش کند (Al-Qudah, 2023).

این اقدام می‌تواند مزایای زیادی داشته باشد. یکی از مهم‌ترین مزایا این است که شورای امنیت قادر است به صورت یک‌جانبه و بدون نیاز به موافقت کشورهای غیرعضو دیوان، پرونده‌ای را به دیوان ارجاع کند. این امر به ویژه برای اسرائیل که به دلیل عدم عضویت

برخی از جرایم بین‌المللی، مانند جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، و نسل‌کشی، از نظر حقوق بین‌الملل آن‌قدر اهمیت دارند که تمامی کشورها، حتی اگر هیچ ارتباط خاصی با جنایت مرتکب‌شده نداشته باشند، حق دارند نسبت به پیگرد و مجازات مرتکبان آن‌ها اقدام کنند. این اصل بر اساس اصول و قواعد بین‌المللی از جمله کنوانسیون‌های ژنو و سایر معاهدات مرتبط با حقوق بشر و حقوق جنگ، پذیرفته شده است. بر اساس این اصل، هر کشوری می‌تواند صلاحیت قضائی خود را برای محاکمه افراد متهم به ارتکاب جنایات بین‌المللی اعمال کند، حتی اگر جنایت در خاک آن کشور صورت نگرفته باشد و مرتکب یا قربانی نیز تبعه آن کشور نباشد. به عبارت دیگر، کشورهای مختلف می‌توانند به‌طور مستقل از دیوان بین‌المللی کیفری، بدون نیاز به همکاری کشور متهم یا ارجاع شورای امنیت، اقدام به محاکمه و مجازات افراد متهم به ارتکاب جنایات بین‌المللی کنند.

در خصوص جنایات اسرائیل، که به دلیل عدم عضویت در دیوان بین‌المللی کیفری و مخالفت با همکاری با آن، اعمال صلاحیت دیوان ممکن است با چالش‌های زیادی روبه‌رو شود، استفاده از اصل صلاحیت جهانی می‌تواند راه‌حل قابل توجهی باشد. کشورهایی که به اصل صلاحیت جهانی متعهد هستند، می‌توانند به جنایاتی که توسط مقامات اسرائیلی یا نظامیان این کشور در سرزمین‌های فلسطینی یا سایر مناطق مرتکب شده است، رسیدگی کنند. این کشورها می‌توانند اقدام به تحقیق و محاکمه متهمان اسرائیلی کنند، حتی اگر جنایات در اسرائیل یا سرزمین‌های تحت کنترل آن رخ داده باشد (Abedini, 2022).

استفاده از اصل صلاحیت جهانی به‌ویژه در شرایطی که کشور متهم به جنایات بین‌المللی از همکاری با نهادهای بین‌المللی خودداری می‌کند، می‌تواند فشارهایی را بر آن کشور وارد کند و از سوی دیگر، امکان پیگرد قضائی در سطح بین‌المللی را فراهم آورد. این امر می‌تواند به نوبه خود مانع از فرار متهمان از مجازات و تضمین

در دیوان و مخالف‌خوانی با صلاحیت آن، از همکاری با دیوان خودداری می‌کند، می‌تواند راهی مؤثر برای ایجاد فشار بین‌المللی و شروع تحقیقات علیه جنایات احتمالی آن باشد. با ارجاع پرونده به دیوان توسط شورای امنیت، دیوان قادر خواهد بود تحقیقات خود را آغاز کند و حتی احکام دستگیری را صادر نماید، بدون آن که نیاز به همکاری اسرائیل باشد. البته ارجاع پرونده به دیوان توسط شورای امنیت دارای محدودیت‌ها و چالش‌هایی نیز هست. یکی از این چالش‌ها، امکان استفاده از ویتو توسط پنج عضو دائمی شورای امنیت (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه و بریتانیا) است. آمریکا به عنوان یکی از بزرگ‌ترین حامیان اسرائیل در عرصه بین‌المللی، احتمالاً در صورت ارجاع پرونده‌ای علیه اسرائیل به دیوان، از حق وتوی خود استفاده خواهد کرد و مانع از اقدام شورای امنیت در این زمینه خواهد شد. این موضوع، سبب محدودیت توانایی شورای امنیت در ارجاع پرونده‌ها به دیوان می‌شود و امکان تحقق عدالت بین‌المللی را با چالش مواجه می‌کند. با این حال، در صورتی که فشارهای بین‌المللی به ویژه از سوی کشورهای غیرعضو شورای امنیت و سازمان‌های غیردولتی افزایش یابد، ممکن است این نهاد بتواند به‌طور مؤثرتری از حق خود برای ارجاع پرونده‌ها به دیوان استفاده کند و به این ترتیب بر جنایات اسرائیل رسیدگی کند. ارجاع پرونده به دیوان توسط شورای امنیت می‌تواند به عنوان یک ابزار مهم برای از بین بردن برخی از موانع اجرایی همچون عدم همکاری کشورها، به ویژه اسرائیل، و کاهش وابستگی به اراده سیاسی کشورهای خاص عمل کند و زمینه‌ای برای تحقق عدالت بین‌المللی در قبال جنایات جنگی و نقض‌های حقوق بشری فراهم آورد.

۳-۵- استفاده از اصل صلاحیت جهانی

استفاده از اصل صلاحیت جهانی یکی از راهکارهای مؤثر برای رفع موانع اجرایی در اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری بر جنایات اسرائیل است. اصل صلاحیت جهانی به این معناست که

نقض اصول اساسی حقوق بشر به‌ویژه در شرایط نظامی، به وضوح مطابق با تعریف جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت هستند. همچنین، در صورتی که این حملات و اقدامات به‌ویژه در غزه به‌طور سیستماتیک و با هدف نابودی یک گروه خاص صورت گرفته باشد، می‌توان آنها را تحت عنوان نسل‌کشی نیز مورد پیگرد قرار داد. افزون بر این، حملات اسرائیل به کشورهای همجوار و تجاوزات نظامی علیه مردم فلسطین، به‌ویژه در غزه، از نظر حقوق بین‌الملل به‌عنوان تجاوز به‌شمار می‌آید.

راهکارهایی برای تسریع و تسهیل در رسیدگی به جنایات اسرائیل و اعمال عدالت بین‌المللی وجود دارد. نخستین راهکار، تقویت مستندات و شواهد از سوی فلسطین و سازمان‌های حقوق بشری است. فلسطین و سایر گروه‌های حقوق بشری می‌توانند با ارائه شواهد مستند و مستندات دقیق، نقش مؤثری در اثبات ارتکاب این جنایات داشته باشند. علاوه بر این، حمایت از تحقیقات مستقل از سوی سازمان‌های حقوق بشری و گروه‌های بین‌المللی می‌تواند به تقویت اعتبار این مستندات کمک کند. دومین راهکار استفاده از اصل صلاحیت جهانی است. اصل صلاحیت جهانی به این معناست که برخی از کشورها می‌توانند بر اساس این اصل جنایات ارتكابی را پیگیری کنند، حتی اگر این جنایات در خاک کشور خود یا در کشور مربوطه رخ نداده باشد. این اصل می‌تواند به کشورهایی که عضو دیوان بین‌المللی کیفری نیستند، کمک کند تا به‌طور مؤثر در پیگرد جنایات اسرائیل در غزه و لبنان اقدام کنند. این امر می‌تواند به ایجاد فشار بر دیوان و دیگر نهادهای بین‌المللی برای رسیدگی به این جنایات منجر شود. سومین راهکار، فشار از سوی افکار عمومی بین‌المللی است. رسانه‌ها، سازمان‌های غیر دولتی و جامعه جهانی به‌طور کلی می‌توانند از طریق فشار سیاسی و دیپلماتیک به کشورهای عضو دیوان و همچنین نهادهای بین‌المللی، دیوان بین‌المللی کیفری را تحت فشار قرار دهند تا به‌طور جدی به جنایات اسرائیل رسیدگی کند. افکار عمومی

تحقق عدالت برای قربانیان نقض‌های حقوق بشری و جنایات جنگی شود. با این حال، اجرای این اصل در عمل با چالش‌هایی نیز مواجه است. بسیاری از کشورها ممکن است به دلیل روابط دیپلماتیک یا اقتصادی با اسرائیل از اعمال صلاحیت جهانی در این زمینه خودداری کنند. علاوه بر این، حتی کشورهای متعهد به اصل صلاحیت جهانی نیز ممکن است به دلایل سیاسی یا عملی از اقدام علیه مقامات اسرائیلی خودداری کنند. بنابراین، برای اینکه این اصل به‌طور مؤثر در رسیدگی به جنایات اسرائیل استفاده شود، نیاز به حمایت قوی از سوی جامعه بین‌المللی و فشارهای دیپلماتیک و حقوقی است که کشورهای مختلف را به انجام مسئولیت‌های خود در این زمینه متعهد کند. در مجموع، استفاده از اصل صلاحیت جهانی می‌تواند یک راهکار مؤثر در مقابله با موانع اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری در خصوص جنایات اسرائیل باشد، به‌ویژه در صورتی که دیوان نتواند به دلیل عدم همکاری اسرائیل یا موانع سیاسی پرونده‌ها را رسیدگی کند. این اصل می‌تواند به عنوان ابزاری برای تحقق عدالت و جلوگیری از مصونیت از مجازات در سطح بین‌المللی عمل کند.

نتیجه‌گیری

تحلیل حقوقی جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و جنوب لبنان، مخصوصاً در بازه زمانی پس از حمله ۷ اکتبر نشان می‌دهد که بسیاری از اقدامات اسرائیل با مفاهیم مشخص و معین موجود در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) همخوانی دارد. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری شامل تعریف جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، نسل‌کشی و تجاوز است، و تمامی این جنایات به‌طور روشن در این اساسنامه پیش‌بینی شده‌اند. در خصوص جنایات اسرائیل، این اقدامات می‌توانند به‌طور مستقیم در چهارچوب این مفاهیم گنجانده شوند. به‌طور مشخص، بسیاری از اعمال رژیم صهیونیستی در غزه و جنوب لبنان از جمله حملات به غیرنظامیان، تخریب گسترده زیرساخت‌ها، استفاده از تسلیحات ممنوعه، و

افکار عمومی بین‌المللی وجود دارد. این اقدامات می‌توانند به‌طور مؤثر در تسریع روند رسیدگی به این جنایات و محاکمه مقامات مسئول کمک کنند و در نهایت عدالت بین‌المللی را در این زمینه تحقق بخشند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The Al-Aqsa Flood Operation launched by Hamas on October 7, 2023, resulted in one of the most destructive and wide-ranging military responses by Israel in the history of the Israeli-Palestinian conflict. These responses included continuous airstrikes on the Gaza Strip and southern Lebanon, raising grave concerns under international humanitarian and criminal law. These concerns were not only about the immediate humanitarian impact but also about long-term accountability and the applicability of legal frameworks to contemporary asymmetric warfare. The extensive civilian casualties, destruction of hospitals, schools, and power infrastructure, as well as the imposition of a total blockade on Gaza, have been widely characterized as possible war crimes and crimes against humanity (Zarei, 2023). The Rome Statute of the International Criminal Court (ICC), established in 1998, offers a comprehensive definition and prosecutorial mechanism for such crimes, though its enforcement faces limitations when powerful state actors are involved or not subject to its jurisdiction. Israel, despite having signed the Rome Statute, has neither ratified it nor accepted the Court's jurisdiction, and has consistently rejected ICC investigations related to the occupied Palestinian territories (Kord Rostami, 2023). This legal and political

بین‌المللی می‌تواند با استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، برای ارتقای آگاهی عمومی و جلب حمایت از فرآیندهای قانونی علیه اسرائیل، فشار وارد کند. در نهایت، باید گفت که جنایات ارتكابی اسرائیل پس از حمله ۷ اکتبر در غزه و لبنان با مفاهیم قانونی مندرج در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تطابق دارد و می‌تواند تحت صلاحیت دیوان قرار گیرد. با این وجود، موانع حقوقی، سیاسی و اجرایی همچنان بر سر راه رسیدگی به این پرونده‌ها وجود دارند. برای عبور از این موانع، نیاز به تقویت مستندات، استفاده از اصل صلاحیت جهانی و ایجاد فشار از سوی

vacuum invites an urgent reassessment of how international law can evolve to meet emerging challenges posed by persistent violations of human rights and humanitarian law. The current study adopts a descriptive-analytical methodology to examine how legal definitions of “war crimes” and “crimes against humanity” can be developed or expanded to capture the full extent of Israel’s actions in Gaza and Lebanon post-October 2023. It further investigates the potential for accountability through avenues such as universal jurisdiction, Security Council referrals, and strategic documentation efforts aimed at ensuring legal redress and protecting fundamental norms of international law.

This study uses a descriptive-analytical approach to assess the legal framework surrounding crimes against humanity and war crimes, contextualized by the Israeli military operations in Gaza and southern Lebanon after October 7, 2023. It relies on document analysis of the Rome Statute, Geneva Conventions, and associated customary international law, alongside reports from international organizations, UN agencies, and non-governmental organizations. The study also evaluates precedents set by the ICTY and ICTR, as well as emerging international legal opinions and state practices relevant to prosecuting mass atrocities. Particular attention is given to the admissibility of

evidence, procedural requirements for ICC jurisdiction, and mechanisms available for non-party states and third-party actors to invoke international legal processes.

The analysis reveals that several categories of Israeli military and administrative actions clearly fall within the Rome Statute's scope of war crimes and crimes against humanity. First, targeted attacks on civilians and civilian infrastructure—such as the repeated bombardment of residential buildings, hospitals, and schools—were conducted without clear military necessity, violating the principle of distinction and proportionality (Jahshan, 2024). Second, the widespread destruction of life-sustaining infrastructure, including water, electricity, and sanitation systems, was deliberate and disproportionate, fulfilling criteria for grave breaches of the Geneva Conventions (Farahmandzad, 2023). Third, the imposition of a total blockade—cutting off food, medicine, and fuel—has created a humanitarian catastrophe, consistent with prohibited collective punishment under international law (Jafari Hezarani, 2023). Moreover, credible reports point to the use of banned weapons such as white phosphorus and cluster munitions, which have indiscriminate and long-lasting effects (Royvaran, 2023). In terms of crimes against humanity, the analysis identifies patterns of systemic and widespread civilian killings, forced displacements, and the deliberate creation of inhumane living conditions designed to cause suffering and undermine civilian morale (Foroughi, 2024; Mohammadi, 2023). The evidence presented confirms that these acts were not isolated incidents but part of a state-sanctioned and prolonged strategy that could satisfy the requirements of “widespread or systematic attack directed against any civilian population” under Article 7 of the Rome Statute.

The findings suggest that many of the military and policy decisions undertaken by Israel during and after the October 7 conflict constitute war crimes and crimes against humanity under international law. The systematic targeting of civilians and essential services appears to have been designed to induce mass displacement and societal collapse, particularly within the Gaza Strip (Altaweel, 2024). The conduct of the Israeli military also violated fundamental principles of international humanitarian law, including distinction, proportionality, and necessity. Moreover, statements by Israeli officials suggest a premeditated strategy of imposing collective punishment, which strengthens the legal claim that these actions were not only intentional but also part of an organized policy (Aminzadeh & Pakdel, 2023). Despite the legal clarity regarding these violations, the question of enforceability remains. Israel's refusal to accept ICC jurisdiction, coupled with the United States' diplomatic shielding of Israel in the United Nations Security Council, severely limits the scope of formal international criminal proceedings. Nonetheless, the study identifies alternative paths forward. These include the principle of universal jurisdiction, which allows national courts to prosecute grave international crimes regardless of the location of the offense or nationality of the perpetrator (Abedini, 2022), and the potential for third-party states to initiate cases under international human rights treaties. Additionally, public and legal pressure on third-party arms suppliers and political supporters could catalyze a broader accountability mechanism beyond traditional courtrooms.

Building upon the legal findings, the study outlines strategic actions for pursuing accountability. First, robust and credible documentation is essential. International and Palestinian human rights organizations must work collaboratively to ensure that

photographic evidence, forensic reports, and eyewitness testimonies are gathered using admissible and verifiable methods (Rekabian & Padarvand, 2024). Second, legal diplomacy must be employed to rally international support for a referral to the ICC by the UN Security Council, even in the face of likely vetoes by permanent members (Al-Qudah, 2023). Third, regional and global cooperation is necessary to amplify political pressure on Israel through sanctions, travel bans, and legal actions in domestic courts based on universal jurisdiction doctrines (Bahreini & Ramazani, 2024; Mohammadi & Khalghi, 2024). Finally, the study emphasizes the necessity of legal education and advocacy to shape public narratives and reinforce global norms against impunity for mass atrocity crimes. Effective coordination between governments, civil society, and international institutions is required to translate legal principles into actionable justice. In this vein, the deployment of international commissions of inquiry and fact-finding missions could provide the evidentiary basis for future prosecutions. Regional bodies like the Arab League and the Organization of Islamic Cooperation should also be mobilized to exert collective influence and support victim-centered reparative frameworks (Farshadi, 2023).

The 2023 Gaza conflict presents a profound test for the integrity and efficacy of international criminal justice. The patterns of violence, scale of destruction, and repeated violations of established legal norms underscore a dire need for the international community to act decisively. While institutional and political hurdles remain formidable, this study argues that through legal innovation, diplomatic persistence, and strategic advocacy, it is possible to confront impunity and reinforce accountability for crimes committed in contemporary armed conflicts. Expanding the definitional reach and practical enforcement of war crimes and

crimes against humanity is not merely a legal imperative but a moral and humanitarian obligation.

References

- Abedini, A. (2022). Under investigation by Israeli authorities at the International Criminal Court. *Journal of Criminal Law and Criminology Research*(19).
- Al-Qudah, I. (2023). Legal Perspectives on the Prosecution of Israeli War Crimes in Gaza. *Journal of Middle Eastern Politics and Policy*, 15(4).
- Altaweel, R. (2024). *Gaza War 2023- 2024 and Reactions From Neighboring Countries: Egypt, Jordan, Lebanon, and Syria*. Springer Nature Publication. https://doi.org/10.1007/978-981-97-4868-6_9
- Aminzadeh, E., & Pakdel, M. (2023). Revisiting the Advisory Opinion of the International Court of Justice on the Separation Wall in Light of the Crimes of the Zionist Regime After October 2023 in Gaza. *Journal of State and Law*(4).
- Bahreini, J., & Ramazani, M. H. (2024). Feasibility of the International Criminal Court Addressing the Situation in Palestine and Its Potential Consequences. *Journal of Public Law Studies, University of Tehran*, 54(4).
- Farahmandzad, Z. (2023). Judicial Mechanisms for Pursuing and Filing Claims Against the Zionist Regime: A Case Study of Crimes Committed in the Gaza Conflict After October 7, 2023. *Journal of State and Law*(4).
- Farshadi, M. (2023). Double Standards in Human Rights During the Gaza War and the Zionist Regime on the Occasion of World Human Rights Day. *Journal of Identity Letters*(93).
- Fathi, A. (2011). *Competent Authorities for Prosecuting Leaders of the Zionist Regime After Gaza Crimes*
- Foroughi, F. (2024). Reflection on the Feasibility of Domestic and International Prosecution of Crimes Committed by the Zionist Regime in Gaza. *Journal of Legal Studies*(1).
- Hossain, A. (2022). International Accountability for Israel's Crimes in Gaza: Legal Constraints and Political Realities. *Journal of International Peace and Security*, 28(1).
- Jafari Hezarani, N. (2023). Realities of the Hamas-Israel War. Conference on New Findings in Law, Islamic Sciences, and Religious Studies,
- Jahshan, K. (2024). One Year After October 7: Assessments and Implications.
- Kord Rostami, F. e. (2023). Justice for Victims of International Crimes: Prosecution and Compensation in Accordance with International Law. 8th National Conference on New Research in Humanities, Economics, and Accounting,

- Levite, A. (2024). Israeli Security After October 7. <https://carnegieendowment.org>
- Mohammadi, M., & Khalghi, A. (2024). Examining the Possibility of the International Criminal Court Exercising Jurisdiction Over Crimes Committed by the Zionist Regime in Gaza. First National Conference on Emerging Research in Management and LawCY - Tehran,
- Mohammadi, R. (2023). Crimes in the Occupied Territories and Their International Dimensions for the Zionist Regime. *Journal of Identity Letters*(89).
- Rekabian, R., & Padarvand, M. (2024). Storm Al-Aqsa and Its Impact on Israel's Security and Political Crisis. *Journal of Policy Studies in the Islamic World*(1).
- Royvaran, H. (2023). Israel's Attack on Gaza and Its Efforts to Destroy Islamic Jihad. *Journal of Islam's Guardian*(42).
- Stamatopoulou, S. (2024). The Human Toll: Indirect Deaths From War in Gaza and the West Bank, October 7, 2023 Forward.
- Zanotti, J., & Sharp, J. (2023). Israel and Hamas October 2023 Conflict: Frequently Asked Questions.
- Zarei, S. (2023). Storm Al-Aqsa and the Gaza Tornado. *Journal of Islam's Guardian*(488).